

خاطر همین بعضی ها غرقش می شوند و اصلا هم احساس خستگی ندارند.»

مدیریت اینجافرق دارد

پذیرش این وقت صبح خالی است. تابلوی ضریح در ورودی، باز مژه دعا که در حال پخش است، دل آدم راهوایی حرم می کند، مثل خیلی وقت هایی که دل آدم تنگ محضر آقایی می شود که نامش رضاست.

دفتر مدیریت و پذیرش در طبقه پایین است و، غیر از آن، چهار طبقه برای زائران مهیا شده است. پاگردها با اشعاری صمیمی در وصف امام رضا (ع) حال و هوای متفاوتی به مجموعه داده است.

هر طبقه با آشپزخانه و سرویس بهداشتی سوئیت کاملی را شامل می شود، اتاق های سه تخته و پنج تخته.

حسین غلامی هم از سر اتفاق و توسط یکی آشنایان با این مجموعه آشنا شده است و مدیریت آن را عهده دار است. می گوید: «تأسیس و شکل گیری این مجموعه به ۱۳۹۱ برمی گردد و من بعد از چند سال به آن پیوستم.» و توضیح می دهد: «البته مدیریت اینجا شرایط کاری اش با دیگر مجموعه ها کمی فرق می کند و از تمیز و مرتب کردن سوئیت بعد از رفتن میهمان را شامل می شود تا پذیرش و خرید و ...»

می گوید: «میهمانان این مجموعه از سراسر کشور و معمولاً از طرف کمیته امداد و بهزیستی معرفی می شوند و کسانی هستند که توانایی مالی ندارند و بعضی هایشان مشهود را ندیده اند و زائر اولی به حساب می آیند.»

غلامی توضیح می دهد: «در کنار اسکان، برای میهمان امام رضا (ع) برخی تسهیلات نظیر سرویس رفت و برگشت به حرم مطهر در نظر گرفته شده است اما، برای آن هایی که توان مالی زیادی ندارند، بانیانی هستند که هزینه خوراک آن ها را بر عهده دارند. البتہ این موضوع به معنای ثابت بودن کار نیست و خیران به صورت مقطعی به مجموعه مراجعه می کنند و، به عنوان مثال، هزینه غذای تعدادی از زائران را قبول می کنند.»

او تعریف می کند: «میهمان های زیادی داشته ایم، خانواده هایی که تازه مسلمان بودند و تقید زیادی برای رعایت کردن حجاب داشتند و خانواده هایی اهل تسنن که، با چند مرحله آمدن به مشهد، شیعه شده بودند.» برای او حال و هوای زائرانی که برای اولین بار به مشهد می آیند خیلی خاص است، مثل عشایر روستائیان و پیرزن ها و پیر مرد هایی که توفیق زیارت نصیبشان شده است.

السلام علیک یادر یا

دفتر یادبود مجموعه پر از حرف های دل تنگی و گفتگوهای صمیمانه زائران با امام رضا (ع) است داستان مهربانی و بخشندگی آقا که مربوط به امروز و دیروز نیست و هر کس بازبان خود با آقا حرف زده است، چه قشنگ می گوید زائری که با زبان خودش قربان صدقه آقامی رود و می گوید: «السلام علیک یادر یا!»

دفتر را می بینیم، زائران و میهمانان هنوز در حال استراحت اند، از در زائر سراسر بیرون می آیم، به خیابان اصلی که می رسم، گنبد طلا تا آسمان رفته است.

دلمان قرص می شود. چه پناه گرم و روشنی! آدم دلش نمی آید یک لحظه چشم از آن بردارد. خوش به حال آن هایی که رضایت او را همراه لحظه ها و زندگی شان دارند!



ساعتی با خدمتگزاران زائر سرای «جواد الائمه» که وقف زائران بی بضاعت است

کنار تو درگیر آرامشیم

کسی کند، امور مردم را به دستش می سپارد و او را در مسیری قرار می دهد که فقط برای کمک به دیگران قدم بردارد. از این آدم ها کم نیستند، کسانی که دغدغه شان رفع گرفتاری مردم است. چه داشته باشند چه نداشته باشند تلاش می کنند بار افتاده ای را به سر منزل مقصود برسانند. حالا فکر کنید این کار در حق زائر امام هشتم باشد.

برای ما که بودن در این شهر همیشگی و عادی شده است درک این موضوع خیلی راحت نیست اما آدم های زیادی هستند که ولع و آرزوی نفس کشیدن در این هوا را دارند، حسرت یک روز بودن در مشهد، دست انداختن در شبکه های ضریح و دل سپردن به امام مهربانی ها. آن هایی که برایشان چندان مهم نیست در کدام یک از خیابان های مشهد باشند و قدم بزنند. مشهد هر نقطه و هر کوچه اش برایشان خاک علی بن موسی الرضا (ع) است که دستشان از او دور است و وقت های دل تنگی به قطعه عکسی کوچک از حرم پناه می آورند.

شرق و غرب ندارد؛ شمال و جنوب هم. اهوازی، بلوچی، گیلکی و ... لایه لای این جمعیت بزرگ و عظیم کم نیستند خانواده هایی که دستشان خالی است. بضاعتشان به سفر نمی رسد اما همه آن ها آرزوی بودن در مشهد را دارند. حالا فکر کنید یک نفر بیاید و آرزوهای این آدم ها که تعدادشان کم هم نیست را برآورده کند. کسانی به این باور و یقین رسیده اند خنده رضی شدن امام (ع) رضایت خدا را دارد و ترجیح می دهند که برای گرفتن این اجر گمنام بمانند.

کوچه پس کوچه های شیرودی را برای پیدا کردن نشانی زائر سرای جواد الائمه پشت سر می گذاریم. پلاک قید شده در آدرس مربوط به ساختمان بادی بزرگ است، بدون هیچ تابلویی، دست را از روی زنگ بر نداشته در باز

معصومه فرمانی کیا- با اینکه مدت زیادی از آشنایی مان با دکتر نمی گذرد اما اخلاقش تا حدی دستمان آمده است. نمی خواهد نام و عنوانی از او در هیچ رسانه و جایگاهی عنوان شود. برای گفته اش احترام قائلیم.

پرمشغله و شلوغ است. بین همه کارهای ریز و درشتی که در برنامه کاری اش دارد، اولویت اصلی اش آدم ها هستند. خودش اهل صحبت کردن درباره علت مجموعه ای که به خاطر زائران وقف کرده و نامش را «جواد الائمه (ع)» گذاشته نیست. مافکری می کنیم هر بار که از پنجره بیرون و گلدسته های حرم را نگاه می کند و می داند خیلی ها نمی توانند از این

دریای نور سهمی ببرند دلگیر شده و به فکر انجام کاری در حق آن هایی افتاده است که عاشق مشهدند و دستشان از حرم و زیارت کوتاه. ایمان داریم، وقتی خدا بخواهد سعادت دنیا و آخرت را نصیب



میهمانان این مجموعه از سراسر کشور و معمولاً از طرف کمیته امداد و بهزیستی معرفی می شوند و کسانی هستند که توانایی مالی ندارند و بعضی هایشان مشهود را ندیده اند و زائر اولی به حساب می آیند